

خواندن، قرائت، و مطالعه کلمات نسبتاً مترادفی هستند که همیشه با ذکر یکی بقیه تداعی می‌شوند. این کلمات در زندگی انسان کاربرد فراوان دارند و گوئی با زندگی انسان عجین‌اند. درجه و میزان آن در هر فرد و جامعه‌ای نشان از رشد فکری و علمی آنها دارد. خواندن، بیشتر، خواندن با صدا را یادآور می‌شود؛ قرائت نیز همین‌طور. امروزه قرائت معنای گسترده‌تری پیدا کرده است و آن را به برداشت‌ها و تفاسیر فرد و جامعه نسبت به یک موضوع نیز اطلاق می‌کنند. اما مطالعه این‌طور نیست و لزوماً همراه با صدا نیست. مطالعه بیشتر برای خواندن آهسته و توأم با تفکر به کار می‌رود. البته سیاق کلمه به خاطر اینکه از باب مفاعله است دو طرفه بودن را می‌رساند ولی انجام تحقیق، از مطالعه دور از انتظار نیست (نگاه کنید به: فدائی، ۱۳۹۱).

نکته دیگر اینکه وقتی خواندن و قرائت مطرح می‌شود در جامعه مسلمان بی اختیار قرائت قرآن و در رأس آن «إقرأ»، فرمان خدا به پیامبر، تداعی می‌شود. «إقرأ» یعنی «بخوان» که آغازین کلام امین وحی الهی به پیامبر اسلام بود و آیات پس از آن حاوی پیام بسیار مهمی است. همچنین کتاب وی به قرآن معروف شده که ریشه در قرائت دارد و آن، این موضوع را مهم‌تر می‌کند.

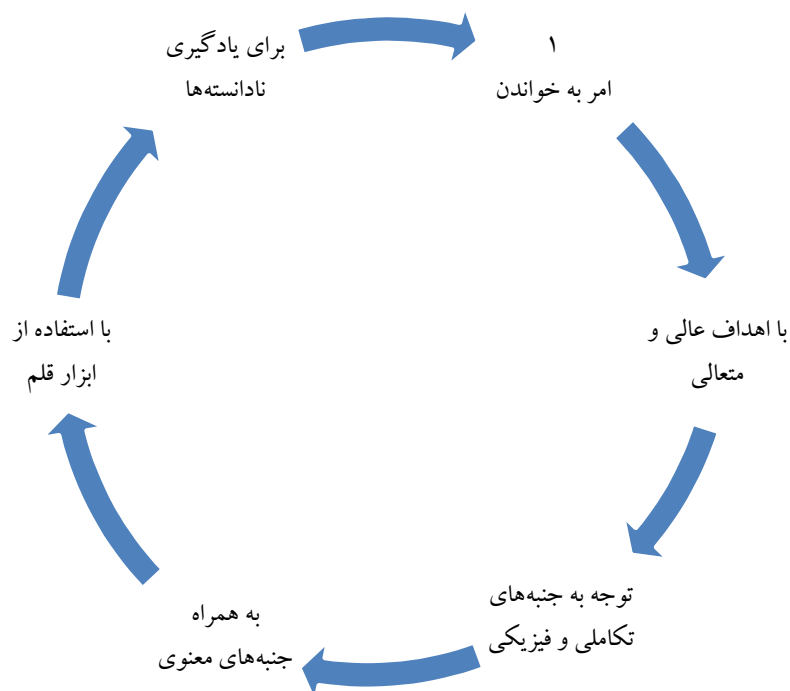
معمولاً می‌گویند که در هر سخن، مقاله، و یا کتاب، عنوان، و یا اولین بند مهم‌ترین‌اند و حاوی کل پیام در آنها است. شما اگر به این آیات اولین در اولین سوره نازل شده بر پیامبر اسلام توجه کنید و آن را مورد مذاقه قرار دهید عصارهٔ پیام پیامبر آخر را در قرائت و خواندن و اهداف آن خواهید یافت که نشان می‌دهد خالق جهان از بشر آخرالزمان چه انتظاراتی دارد. این آیات بدین قرار است:

«أَفِرَّأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) أَفِرَّأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»

یعنی: «بخوان به نام پروردگاری که تو را خلق کرد، او انسان را از علق آفرید. بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است. او که با قلم آموخت. به بشر آنچه را نمی‌دانست یاد داد.»

آنچه این آیات بر پیامبر رحمت افاده می‌کند این است که دستور بر خواندن، کوبنده و صریح است؛ همراه با پاکی و صفا و با توجه به خلقت تکوینی و تکاملی انسان، و با عنایت به تحول کرامتی و معنوی وی و با اشاره به ابزارهای مقدس تعلیم نسبت به نادانسته‌های بشر. این آیات به بیانی، نشانگر خط‌مشی رسالت پیامبر است؛ برنامه رهبری او است که با خواندن شروع و با تعلیم پایان می‌یابد. «اِقْرَأْ» به صیغه امر است و اهمیت مسئله را می‌رساند. قرائت هم می‌تواند تکوینی باشد و هم تشریعی. هدفمند و متعالی بودن با توجه به ذکر رب و ربوبیت پروردگار از نکات بارز آن است. تکرار امر قرائت خود نکته جالب دیگری است. یک بار بخوان به نام پروردگارت که تو را از «عَلَق»^۱ آفرید و با تکامل، تو را از خاک به افلاک برد. و باز بخوان به نام پروردگارت که گرامی‌ترین است و این کرامت، از کرامت انسان هم حکایت دارد. خدائی که در مسیر خواندن، قرائت و تکامل به ابزار توجه دارد و بهترین ابزار خواندن و تعلیم و تعلم را قلم معرفی می‌کند که بسیار مقدس است. قلم به عنوان ابزار نگارش و خواندن، چه سنتی و یا الکترونیکی هرگز از خواندن و تعلیم جدا نمی‌شود و هرگز کارکردش را از دست نمی‌دهد. در سورة نون خدا از قلم و آنچه که با آن می‌نویسند یاد کرده و به آن سوگند خورده است و این خود حاوی پیام دیگری در مورد خواندن، قلم و محتوای کارکردی آن است. با آنکه در آغاز آیات، اهداف متعالی خواندن بیان شده ولی در آخر این آیات هدف کاربردی آن هم معین گردیده است که خواندن برای آموختن آن چیزهایی است که بشر نمی‌داند. می‌توان از این آیات گرامی استفاده کرد و همچنانکه خود، خط‌مشی رهبری پیامبر را به صورت عملیاتی بیان می‌کند از آن الگویی برای همه خواندن‌ها و قرائت‌ها بیرون کشید، و آن این است که خواندن و مطالعه باید هدفمند و متعالی باشد، به مسائل مادی و فیزیکی پردازد، به مسائل معنوی و کرامت انسانی در سایه کرامت پروردگار توجه کند، و از ابزار استفاده نماید و آموزش و خواندن را نسبت به نادانسته‌ها پی بگیرد. مدل فوق، خط‌مشی و برنامه خواندن‌ها را در هر موقعیت و زمان مشخص می‌کند. بازنویس این مدل چنین است:

۱. «عَلَق» که ممکن است از علقه و علاقه، وابستگی، مکیدن، جستجوگری، چسبیدن، آویزان شدن و مانند آن هم ریشه گرفته باشد، نشان از ویژگی‌های انسان در زندگی دارد.



نکته دیگری که باید تذکر داد این است که این مدل، مدلی ایده‌آل است و از آن متعالی‌تر نیست ولی بشر همیشه و همواره برای مطالعه این چنین فرصتی را ندارد. خواندن برای فکر کردن است و گرنه اگر از روی تدبر و تعمق نباشد ارزشی ندارد و البته این خواندن باید با قلم بیرونی شود زیرا بدون آن نمودی خارجی ندارد؛ استفاده از قلم همانند سوادآموزی است و سوادآموزی تازه آغاز کار است. سوادآموزی همچون قلم، ابزار است که با آن باید به محتوا پرداخت. همچنین می‌توان پرسید که آیا مطالعه و خواندن فقط باید با ابزار فیزیکی و ظاهری باشد؟ آیا مطالعه تکوینی و تفکر در خلقت آسمان و زمین و آفرینش انسان خود مطالعه و خواندن نیست؟ آیا مطالعه‌های دیگر اعم از کاری، درسی و تفریحی خواندن نیستند؟ اهمیت خواندن تا به آن اندازه است که نه تنها افراد با مقدار آن خود را محک می‌زنند بلکه جوامع و ملت‌ها با تعیین درجه توجه به این امر مهم به عنوان شاخص توسعه و ترقی نگاه می‌کنند. آنچه به عنوان امری مشکل همواره مدنظر بوده است تعیین ملاک و معیار خواندن است.

اگر سطح متعالی آن، همانی است که در مدل فوق بیان شد ولی آیا بقیه خواندن‌ها را نباید لحاظ کرد و دست کم برای تشویق افراد برای رشد و بالندگی، سایر انواع خواندن‌ها و قرائت‌ها را نباید به حساب آورد تا وسیله ای برای ارتقاء شود؟

آمارهای گوناگونی که کشورهای مختلف از جمله کشور ما درباره میزان مطالعه می‌دهند و تفاوت بارزی که بین ارقام دستگاه‌های مختلف آمارگیر مشاهده می‌شود نشان از این سر درگمی عجیب و نداشتن شاخص و ملاک معتبر دارد. در مدلی که در زیر معرفی می‌شود، سطوح مختلفی برای مطالعه تعریف و سعی شده است تا همه انواع خواندن‌ها مورد توجه قرار گیرد. از خواندن‌های عمیق و مفید (فدائی، ۱۳۹۲) و توأم با تفکر تا مطالعه و خواندن‌های سطحی همه به نوعی در این سطوح گنجانده شده‌اند. این سطوح کاری به محمل ندارند و ممکن است محمل مطالعه طبیعت، کتاب، به معنای معمول آن، صفحات اینترنتی و حتی گوشی‌ها و تبلت‌های در دست افراد باشد. آنچه مهم است و سطوح را تعیین می‌کند محتوای بر روی این محمل‌ها است و نه خود محمل‌ها؛ زیرا در جهان امروز ابزار پیشرفته الکترونیکی آنچنان رشد کرده‌اند که به مقدار زیادی جای محمل‌های سنتی را مثل کتاب و روزنامه گرفته‌اند. درعین حال این سطوح مطروحه خود پیشنهاد است که همه علاقه‌مندان می‌توانند در نظر دادن به آن شرکت و پیشنهادهای خود را ارائه کنند. امید است بتوان به یک جمع‌بندی مناسبی در این زمینه رسید که ضرورتی برای ارزیابی امر خواندن و مطالعه است.

در تقسیم‌بندی زیر سعی شده انواع خواندن مورد توجه قرار گیرد تا اگر به عنوان ملاک در نظر گرفته شود همه دست‌اندرکاران و به ویژه کتابخانه‌های عمومی که بیشترین سر و کار و دغدغه را نسبت به مطالعه دارند بتوانند آمار واقعی‌تری را به دست دهند. این سطوح که سنتی، الکترونیکی، و نیز سمعی می‌تواند باشد عبارتند از:

۱. مطالعه سطح عالی (عمیق): شامل تدبیر (در آفاق و انفس)، مطالعه برای پدید آوردن نظریه، فهم و تفسیرهای عمیق علمی و دینی، و مطالعات کنجکاوانه و انتقادی؛
۲. مطالعه فعال: شامل تدبیر، مطالعه برای اجرای پروژه، مطالعه برای تدریس و دانستن، مطالعه برای تهیه مقالات و کتب علمی (چاپی و الکترونیکی)، مطالعات مروری؛

۳. مطالعه مفید: شامل مطالعه برای آموزش، یادگیری (از ابتدائی تا دانشگاهی)، خواندن برای کسب مهارت در سطح بالا، جستجوی فهارس یا بانک‌های علمی، مطالعه برای حل مسائل فردی و اجتماعی، خواندن رمان‌های مفید و هدفدار؛
۴. مطالعه اجباری (انفعالی): شامل انجام تکالیف درسی، خواندن اجباری، دانستن برای مهارت‌های معمول زندگی (وقتی که گرفتار می‌شوید)، حل مسئله شخصی؛
۵. مطالعه سطحی: شامل خواندن سطحی، قرائت قرآن و یا دعا بدون دقت و تدبر، خواندن روزنامه، خواندن‌های تفننی (چاپی و اینترنتی)، مرور حاشیه‌ها به جای متن، مطالعه برای پر کردن ساعات فراغت و بی هدف؛
۶. شبه مطالعه: شامل خواندن سرپائی مانند سرفصل اخبار (عناوین روزنامه و یا زیرنویس تلویزیون)، مرور سریع روزنامه‌ها (مثلاً در اتوبوس یا هواپیما)، خواندن ایمیل‌های خبری و ...

بدیهی است برای اندازه‌گیری مطالعه باید با پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های دقیق معلوم شود که هر کسی چقدر با انواع مطالعه‌های شش‌گانه مرتبط است؛ شاید از این راه بتوان به آمار دقیق‌تری در باب میزان مطالعه دست یافت. مقالات این شماره اغلب در باره خواندن است و نظر به اهمیت موضوع از علاقمندان درخواست می‌شود تا موضوع را عمیقاً بررسی و مقالاتی در باره جوانب مختلف آن بنویسند تا بتوان شماره و یا شماره‌های دیگری به این امر اختصاص داد.

منابع

- فدائی، غلامرضا (۱۳۹۱). کارکردهایی جدید برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۸ (۱)، ۷-۲۴.
- _____ (۱۳۹۲). *خلاصیت، آرامش و کتابخانه*. در: *از کتابداری و اطلاع‌رسانی تا علم اطلاعات و دانش‌شناسی*. تهران: چاپار؛ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.